# اتخاذ شده باشد.

فصل چهاردهم ـ در ضَمان عقدی ـ چهاردهم

## فصل چهاردهم ـ در ضَمان عقدی

مبحث اول ـ در کلیات

### ماده 684

ماده 684 ـ عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمّه دیگری است بعهده بگیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون‌له و شخص ثالث را مضمون‌عنه یا مدیون اصلی میگویند.

### ماده 685

ماده 685 ـ در ضمان رضای مدیون اصلی شرط نیست.

### ماده 686

ماده 686 ـ ضامن باید برای معامله اهلیّت داشته باشد.

### ماده 687

ماده 687 ـ ضامن شدن از محجور و میّت صحیح است.

### ماده 688

ماده 688 ـ ممکن است از ضامن ضمانت کرد.

**ماده 689**

ماده 689 ـ هر گاه چند نفر ضامن شخصی شوند ضمانت هر کدام که مضمون‌له قبول کند صحیح است.

**ماده 690**

ماده 690 ـ در ضمان شرط نیست که ضامن مالدار باشد لیکن اگر مضمون‌له در وقت ضمان بعدم تمکّن ضامن جاهل بوده باشد میتواند عقد ضمان را فسخ کند، ولی اگر ضامن بعد از عقد غیرملی شود مضمون‌له خیاری نخواهد داشت.

**ماده 691**

ماده 691 ـ ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است، باطل است.

**ماده 692**

ماده 692 ـ در دین حال ممکن است ضامن برای تأدیه آن اجلی معین کند و همچنین میتواند در دین مؤجل تعهّد پرداخت فوری آنرا بنماید.

**ماده 693**

ماده 693 ـ مضمون‌له میتواند در عقد ضمان از ضامن مطالبه رهن کند اگر چه دین اصلی رهنی نباشد.

**ماده 694**

ماده 694 ـ علم ضامن بمقدار و اوصاف و شرایط دینی که ضمانت آن را مینماید شرط نیست بنابراین اگر کسی ضامن دین شخص بشود بدون اینکه بداند آن دین چه مقدار است ضمان صحیح است لیکن ضمانت یکی از چند دین بنحو تردید باطل است.

**ماده 695**

ماده 695 ـ معرف تفصیلی ضامن بشخص مضمون‌له یا مضمون عنه لازم نیست.

**ماده 696**

ماده 696 ـ هر دینی را ممکن است ضمانت نمود اگر چه شرط فسخی در آن موجود باشد.

**ماده 697**

ماده 697 ـ ضمان عهده از مشتری یا بایع نسبت بدرک مبیع یا ثمن در صورت مستحق‌للغیر در

آمدن آن جایز است.

مبحث دوم

در اثر ضمان بین ضامن و مضمون‌له

**ماده 698**

ماده 698 ـ بعد از اینکه ضمان بطور صحیح واقع شد ذمّه مضمون‌عنه بری و ذمه ضامن بمضمون‌له مشغول میشود.

**ماده 699**

ماده 699 ـ تعلیق در ضمان مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مدیون نداد من ضامنم باطل است، ولی التزام بتأدیه ممکن است معلق باشد.

**ماده 700**

ماده 700 ـ تعلیق ضمان بشرایط صحت آن مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مضمون‌عنه مدیون باشد من ضامنم موجب بطلان آن نمیشود.

**ماده 701**

ماده 701 ـ ضمان عقدی است لازم و ضامن یا مضمون‌له نمیتوانند آن را فسخ کنند مگر درصورت اعسار ضامن بطوریکه در ماده 690 مقرراست یا در صورت بودن حق فسخ نسبت بدین مضمون‌له و یا در صورت تخلف از مقررات عقد.

**ماده 702**

ماده 702 ـ هر گاه ضَمان مدت داشته باشد مضمون‌له نمیتواند قبل از انقضاء مدت مُطالبه طلب خود را از ضامن کند اگر چه دین حالّ باشد.

**ماده 703**

ماده 703 ـ در ضَمانِ حال مضمون‌له حق مُطالبه طلب خود را دارد اگر چه دین مؤجّل باشد.

**ماده 704**

ماده 704 ـ ضَمانِ مطلق محمول بحالّ است مگر آنکه بقرائن معلوم شود که مؤجّل بوده است.

**ماده 705**

ماده 705 ـ ضَمان مؤجّل بفوتِ ضامن حالّ میشود.

**ماده 706**

ماده 706 (منسوخه 14/08/1370) ـ هر گاه دین مدت داشته، ولی ضمان حال باشد بعد از ضمان مضمون‌له حق مطالبه از ضامن دارد.

**ماده 707**

ماده 707 ـ اگر مضمون‌له ذمه مضمون‌عنه را بری کند ضامن بری نمیشود مگر اینکه مقصود ابراء از

اصل دین باشد.

**ماده 708**

ماده 708 ـ کسیکه ضامن دَرَک مَبیع است در صورت فسخ بیع بسبب اِقاله یا خیار، از ضَمان بری میشود.

مبحث سوم

در اثر ضمان بین ضامن و مضمون عنه

**ماده 709**

ماده 709 ـ ضامن حق رجوع بمضمون عنه ندارد مگر بعد از اداء دین، ولی میتواند در صورتیکه مضمون‌عنه ملتزم شده باشد که در مدت معینی برائت او را تحصیل نماید و مدت مزبور هم منقضی شده باشد رجوع کند.

**ماده 710**

ماده 710 ـ اگر ضامن با رضایت مضمون‌له حواله کند بکسی که دین را بدهد و آنشخص قبول نماید مثل آنست که دین را ادا کرده است و حق رجوع بمضمون‌عنه دارد و همچنین است حواله مضمون‌له بعهده ضامن.

**ماده 711**

ماده 711 ـ اگر ضامن دین را تأدیه کند و مضمون عنه آن را ثانیاً بپردازد ضامن حق رجوع بمضمون‌له نخواهد داشت و باید بمضمون‌عنه مراجعه کند و مضمون‌عنه میتواند از مضمون‌له آنچه را که گرفته است مسترد دارد.

**ماده 712**

ماده 712 ـ هر گاه مضمون‌له فوت شود و ضامن وارث او باشد حق رجوع بمضمون‌عنه دارد.

**ماده 713**

ماده 713 ـ اگر ضامن بمضمون‌له کمتر از دین داده باشد زیاده بر آنچه داده نمی‌تواند از مدیون مطالبه کند اگر چه دین را صُلح بکمتر کرده باشد.

**ماده 714**

ماده 714 ـ اگر ضامن زیادتر از دین بداین بدهد حق رجوع بزیاده ندارد مگر در صورتیکه باذن مضمون‌عنه داده باشد.

**ماده 715**

ماده 715 ـ هر گاه دین مدت داشته و ضامن قبل از موعد آنرا بدهد مادام که دین حالّ نشده است نمیتواند از مدیون مطالبه کند.

**ماده 716**

ماده 716 ـ در صورتیکه دین حالّ باشد هر وقت ضامن اَدا کند میتواند رجوع بمضمون‌عنه نماید هر چند ضَمان مدت داشته و موعد آن نرسیده باشد مگر آنکه مضمون‌عنه اِذن بضَمان مؤجّل داده باشد.

**ماده 717**

ماده 717 ـ هر گاه مضمون‌عنه دین را ادا کند ضامن بری میشود هر چند ضامن بمضمون‌عنه اِذن در اَدا نداده باشد.

**ماده 718**

ماده 718 ـ هر گاه مضمون‌له ضامن را از دین اِبراء کند ضامن و مضمون‌عنه هر دو بری میشوند.

**ماده 719**

ماده 719 ـ هر گاه مضمون‌له ضامن را اِبراء یا دیگری مجاناً دین را بدهد ضامن حق رجوع بمضمون‌عنه ندارد.

**ماده 720**

ماده 720 ـ ضامنی که بقصد تَبَرُّع ضمانت کرده باشد حق رجوع بمضمون‌عنه ندارد.

مبحث چهارم

در اثر ضَمان بین ضامنین

**ماده 721**

ماده 721 ـ هر گاه اشخاص متعدد از یک شخص و برای یک قَرض بنحو تسهیم ضمانت کرده باشند مضمون‌له بهر یک از آن‌ها فقط بقدر سهم او حق رجوع دارد و اگر یکی از ضامنین تمام قرض را تأدیه نماید بهر یک از ضامنین دیگر که اِذن تأدیه داده باشد میتواند بقدر سهم او رجوع کند.

**ماده 722**

ماده 722 ـ ضامنِ ضامن حق رجوع بمَدیون اصلی ندارد و باید بمضمون‌عنه خود رجوع کند و بهمین طریق هر ضامنی بمضمون‌عنه خود رجوع میکند تا بَمدیون اصلی برسد.

**ماده 723**

ماده 723 ـ ممکن است کسی در ضمن عقد لازمی بتأدیه دین دیگری ملتزم شود در این صورت تعلیق بالتزام مبطل نیست مثل اینکه کسی اِلتزام خود را بتأدیه دین مَدیون مُعَلَّق بعدم تأدیه او نماید.

نسخه مستقل این واحد حقوقی از کتابخانه نقره‌وانی ـ 1405/08/09